

از جرقه‌های پی‌درپی اعتصاب تا انفجار بزرگ کارگری



اعتراضات و اعتصابات کارگری کماکان روندی رشد یابنده را طی می‌کنند. عواقب بسیار وخیم بحران اقتصادی، تورم و گرانی فزاینده، فشارهای اقتصادی و معیشتی بر شانه کارگران را بیش‌ازپیش تشدید نموده است. نارضایتی به‌شدت تراکم یافته در اعماق جامعه و بیش از هر جا در درون طبقه کارگر، در جرقه‌ها و انفجارهای پی‌درپی اعتراض و تجمع و اعتصاب به بیرون راه پیدا می‌کند. نه طبقه حاکم، نه

در صفحه ۳

زنده باد جنبش چپ و سوسیالیستی دانشجویی

جنبشی که در جریان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۹۶، پوسته‌ی سخت توهم به تغییر از طریق صندوق رای را با شعار "اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تموم ماجرا" شکست و جنبش دانشجویی توانست نه تنها به جایگاه مهم و برجسته‌ای در مبارزات توده‌های کار و زحمت علیه دولت سرمایه‌داری فاشیستی حاکم دست یابد، بلکه با مبارزات و شعارهای خود توانست

در صفحه ۱۰

گرامی باد ۱۶ آذر روز دانشجو، روزی که اگرچه به نام دانشجویست و با نام سه دانشجوی مبارز مصطفی بزرگنیا، احمد قندچی و مهدی (آذر) شریعت رضوی گره خورده است، اما در عین‌حال روزی‌ست که برای تمام مردم ستمدیده‌ی ایران و نیز تمامی انسان‌های آزادی‌خواه و مبارز جایگاه ویژه‌ای دارد. این جایگاه بیش از هر چیز برخاسته از نقشی‌ست که دانشجویان در جنبش انقلابی ایران از دیرباز تا امروز داشته‌اند.

حمید نوری از انکار تا اهانت به دادگاه

حمید نوری ملقب به حمید عباسی، کمک دادیار زندان گوهردشت، در تاریخ نهم نوامبر ۲۰۱۹ به هنگام ورود به کشور سوئد در فرودگاه استکهلم دستگیر شد. حمید نوری و ناصر یان (قاضی محمد مقیسه) در مقام کمک دادیار و دادیار زندان گوهردشت، از جمله کسانی هستند که در قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ نقش موثری داشته‌اند. این دو با گزارش دهی و پرونده سازی علیه زندانیان گوهردشت، آنان را برای تعیین تکلیف و صدور حکم اعدام نزد هیئت مرگ می‌بردند. حمید نوری با چنین پیشینه‌ای از کشتار زندانیان سیاسی به هنگام ورود به سوئد با طرح اتهاماتی از قبیل "قتل عمد"، "نقض فاحش قوانین

در صفحه ۵

اطلاعیه کمیته خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

**مسئول پخش زنده دادگاه حمید نوری
توسط مأمور جمهوری اسلامی تهدید شد**

در صفحه ۷

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

در صفحه ۸

مبارزه پیگیر و استوار معلمان



معلمان پیگیر و استوار به مبارزه برای تحقق مطالبات خود ادامه می‌دهند. در ادامه تجمعات پی‌درپی معلمان سراسر کشور در طول چند ماه اخیر، از آنجائی که رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران، همچنان از برآورده ساختن خواسته‌های بر حق معلمان سرباز زده است، شورای هم‌آهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، در اعتراض به بی‌توجهی دولت و مجلس به مطالبات معلمان، فراخوان جدیدی را برای برپائی تجمعات سراسری معلمان کشور در ۱۱ آذرماه صادر کرد.

در این فراخوان آمده بود که سرنوشت رتبه‌بندی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. درحالی‌که برای اجرای کامل رتبه‌بندی یعنی حداقل هشتاد درصد حقوق اعضای هیئت علمی دانشگاه به ۷۰ هزار میلیارد تومان نیاز است، دولت قصد دارد تنها ۲۵ هزار میلیارد تومان برای یک سال به رتبه‌بندی اختصاص دهد و تاریخ اجرای آن را از اول مهر ۱۴۰۰ قرار داده است. به عبارتی دولت تنها ۵ / ۱۲ هزار میلیارد تومان برای رتبه‌بندی در سال ۱۴۰۰ در نظر گرفته و وضعیت آن در سال ۱۴۰۱ منوط به تأمین اعتبار شده است، این‌ها همه نشانگر آن است که قرار است رتبه‌بندی، سرهم‌بندی شود.

شورای هماهنگی اعلام کرد که خواهان تأمین این بودجه و اجرای کامل رتبه‌بندی از تاریخ اول فروردین ۱۴۰۰ است. فراخوان همچنین اشاره داشت که وضعیت همسان‌سازی حقوق بازنشستگان نیز در ابهام قرار گرفته و تعدادی از به‌اصطلاح نمایندگان مردم در مجلس در حال جمع‌آوری امضاء برای خارج کردن همسان‌سازی از دستور کار مجلس هستند. به‌رغم موانع و محدودیت‌های سرکوبگرانه رژیم که در برخی شهرها با تهدید و اقدامات پلیسی تلاش نمود مانع از برپائی تجمعات اعتراضی فرهنگیان گردد، تجمعات سراسری معلمان در

در صفحه ۲

مبارزه پیگیر و استوار معلمان



صدها میلیونی مقامات و مدیران دولتی نیز کمبودی برای بودجه نیست، اما نوبت به معلم و کارگر که می‌رسد، بودجه نیست یا بودجه ناچیزی اختصاص داده می‌شود.

معلمان اما اعلام کرده‌اند، دست‌کاری در لایحه را که به زبان معلمان صورت گرفته، نخواهند پذیرفت.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان اعلام کرده است، خواست معلمان دریافت حداقل ۸۰ درصد حقوق و مزایای اعضای هیئت‌علمی دانشگاه است (و نه ۸۰ درصد حداقل حقوق مربی آموزشیار و مربی که پایین‌ترین حقوق را در دانشگاه‌ها دارند).

از سوی دیگر هم‌اکنون ساعات تدریس موظفی معلمان ۲۴ ساعت است و حکومت می‌خواهد به‌عنوان «تماموقت شدن معلمان» این را به ۳۰ ساعت در هفته افزایش دهد. رژیم با این اقدام در تلاش است که بار کمبود معلم را بر دوش معلمان شاغل بیندازد و از استخدام معلم جدید خودداری کند. این نیز موردپذیرش معلمان نیست. معلمان اعلام کرده‌اند تا وقتی که مطالبات اصلی آن‌ها کامل اجرا نشود به مبارزات خود ادامه خواهند داد.

بنابراین قطعنامه پایانی تجمعات سراسری فرهنگیان هشدار داد: «تا زمانی که قانون مدیریت خدمات کشوری به‌ویژه نظام همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و طرح رتبه‌بندی شاغلان، همان‌طور که درم قانون آمده است، به اجرا درنماید، در روزهای آینده همچنان اعتراضات را به اشکال گوناگون از جمله تحصن، تجمع، راهپیمایی، تعطیلی کلاس‌ها و سایر اشکال قانونی اعتراض، در سراسر کشور تا رسیدن به خواسته‌های قانونی، در فراخوان‌های پی‌درپی ادامه خواهد داد.»

همان‌گونه در قطعنامه تأکید شده است، معلمان برای ادار کردن رژیم به پذیرش مطالبات خود، راه دیگری جز تشدید مبارزه ندارند. این مبارزه نیاز به اتحاد و همبستگی گسترده‌تر در میان معلمان، تقویت تشکلهای صنفی معلمان، ایجاد تشکل در جایی که چنین تشکلهایی موجود نیست، تقویت پیوند و ارتباط این تشکلهای شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان که پیگیرانه برای تحقق مطالبات تلاش می‌کند و تشویق هرچه گسترده‌تر معلمان به حضور در فراخوان‌های شورای هماهنگی است. اتحاد و مبارزه معلمان سراسر کشور یگانه راه پیروزی است.

مردم، نمونه‌ای از عملکرد مدیریت چپاولگرانه‌ای است که امروز دامن کشور را گرفته است.

نیک می‌دانیم که قربانی این شرایط دهشتناک، همه اقشار مردم از جمله، کودکان، جوانان، زنان، کارگران، فرهنگیان، دانشجویان، هنرمندان، کشاورزان، نویسندگان و سایر اقشار مولد جامعه، حتی نسل‌های آینده هستند.

معلمان مطالبات متعددی دارند، اما آنچه در میان این مطالبات اصلی و محوری است، اجرای رتبه‌بندی شاغلان به‌صورت کامل (هشتاد درصد حقوق هیئت‌علمی) و همسان‌سازی بر پایه حداقل ۱۳ میلیون تومان برای بازنشستگان می‌باشد.

اما معلمان علاوه بر مطالبات محوری خود، مطالبات دیگری هم دارند که در شعارها و پلاکاردهایی که در تجمعات با خود حمل می‌کنند، دیده می‌شود.

امنیت شغلی برای معلمان پیش‌دبستانی، آموزش یاران نهضت سوادآموزی، معلمان خرید خدمات آموزشی و معلمان شاغل در بخش خصوصی. توقف خصوصی‌سازی و پولی کردن آموزش و پرورش و تأکید بر حق تحصیل رایگان و آموزش باکیفیت. پایان دادن به پرونده‌سازی علیه معلمان، بازگشت به کار معلمان اخراجی و آزادی معلمان دربند.

به‌رغم مبارزات چند ماه اخیر معلمان، رژیم ارتجاعی حاکم هیچ اقدامی برای تحقق خواسته‌های معلمان و بازنشستگان فرهنگی انجام نداده است، آنچه در مجلس ارتجاع صورت گرفته تلاش برای تقلیل مطالبه رتبه‌بندی در رابطه با افزایش حقوق شاغلان و افزایش ساعات کار و وعده‌های عمل نشده از این هفته به آن هفته بوده است.

یک روز اعلام می‌کنند: اجرای این لایحه برای معلمان همراه با بازنشستگان و کارکنان اداری آموزش و پرورش ۸۰ هزار میلیارد تومان منابع می‌خواهد که در جستجوی تأمین منابع آن هستیم، روز دیگر می‌گویند دولت قادر به تأمین این منابع نیست و از همین رو تأمین منابع تا سقف ۲۵ هزار میلیارد تومان برای اجرای این طرح در نظر گرفته شده است. هنوز چند روزی از این ادعا نگذشته که این بار خبر می‌دهند دولت قصد پس گرفتن این لایحه را دارد، چون در تأمین منابع مشکلات و برخی تنگناهای مالی وجود دارد. اما برکسی پوشیده نیست که این تلاش رژیم برای اجرا نکردن مطالبات معلمان است. اگر قرار بود مطالبه معلمان اجرا گردد، بودجه آن‌هم تأمین می‌شد. چنانچه می‌دانیم برای هزینه‌های کلان نظامی و امنیتی و دستگاه‌های مذهبی و بوروکراتیک به‌قدر کافی بودجه هست و اختصاص داده می‌شود. اگر کمبودی هم باشد، آن را حتی از صندوق ذخیره ارزی برداشت می‌کنند. همچنین برای پرداخت حقوق ده‌ها و

۱۱ آذرماه گسترده‌تر و پرشماتر از تمام تجمعات پیشین برگزار شد. هزاران معلم با تعطیل کلاس‌ها در تهران مقابل مجلس و در شهرستان‌ها، مقابل ادارات آموزش و پرورش تجمعات اعتراضی خود را برپا داشتند. اگر در آبان ماه با فراخوان شورای هماهنگی، این تجمعات در ۲۰ استان و ۷۰ شهر برپا شد، در ۱۱ آذرماه، تجمعات سراسری فرهنگیان در ۲۷

استان و بیش از ۹۰ شهر کشور برگزار شد. این حضور پیوسته گسترده‌تر معلمان در تجمعات سراسری به‌وضوح نشان داد که روش‌های تهدید، بازداشت فعالان تشکلهای معلمان، یورش پلیس به تجمعات، وعده‌و وعیدهای پوشالی رژیم برای مهار مبارزات معلمان کارساز نبوده و نیست.

کارد به استخوان رسیده است. هیچ‌گاه همچون امروز شرایط معیشتی فرهنگیان وخیم و تأسفیب‌بار نبوده است. در نتیجه سیاست‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی، بحران اقتصادی و تورم افسارگریخته، شرایط معیشتی معلمان و بازنشستگان فرهنگی مدام وخیم‌تر شده و عموم فرهنگیان به زیرخط فقر ۱۳ میلیونی فرورفته‌اند. این در حالی است که متوسط حقوق ماهانه معلمان ۵ میلیون اعلام شده است.

مسئول این وضعیت تأسفیب‌بار نظم اقتصادی-اجتماعی سرمایه‌داری حاکم بر ایران و رژیم



جمهوری اسلامی است که با سیاست‌های ارتجاعی خود، بحران‌های متعددی به بار آورده است که معلمان نیز از این بحران‌ها آسیب‌دیده‌اند. این واقعیت به‌وضوح در قطعنامه پایانی تجمع سراسری فرهنگیان ایران ۱۱ آذر ۱۴۰۰ نیز منعکس شده است. در این قطعنامه آمده است: «امروز کشور ما به خاطر مدیریت ناکارآمد و غیر پاسخگو در بحران‌های مختلف طبیعی، زیست‌محیطی، روحی و روانی، اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، آموزشی و بهداشتی گرفتار آمده و عرصه زندگی بر مردم تنگ‌تر شده است.»

برکسی پوشیده نیست که پیامد ابر بحران‌های موجود را توده مردمی بر دوش می‌کشند که دست آن‌ها از منابع قدرت و ثروت کوتاه است. بی‌گمان، ابر بحران‌های یادشده نتیجه عملکرد حاکمیتی است که جان و مال زندگی مردم و نسل‌های آینده را ابزار آزمون و خطای سیاست‌بازی‌های خود قرار داده است.

بحران آب و تخریب محیط‌زیست و تحمیل فقر و فلاکت بر اقشار گوناگون و سرکوب مطالبات

زنده باد سوسیالیسم

از جرقه‌های پی‌درپی اعتصاب تا انفجار بزرگ کارگری



مقامات و نهادهای وابسته و موجب‌بگیر این طبقه، هیچ‌کدام راه‌حلی برای برون‌رفت از وضع موجود ندارند. هیچ فرد و قشر و نهادی در حاکمیت حتی به‌منظور جلوگیری از بروز انفجارات اجتماعی تدبیری برای برآورده ساختن خواست‌های طبقه کارگر ندارد و اساساً به آن فکر هم نمی‌کند. آنچه برای طبقه سرمایه‌دار و انگل حاکم و دولت این طبقه مهم است، غارت و چپاول است. سود و بازهم کسب سود بیشتر و استثمار بیشتر و خشن‌تر است. بنابراین بدیهی است اگر صدای اعتراض کارگران از همه سو بلند شود و شمار اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارگری نیز افزایش یابد.

شواهد موجود حاکی از تکرار این واقعیت است که بسیاری از سرمایه‌داران در برابر اعتصابات متحد و یکپارچه کارگران و ادار به عقب‌نشینی می‌شوند. وعده‌هایی به کارگران می‌دهند و قول می‌دهند مطالبات کارگران را برآورده سازند. در مواردی حتی گام‌هایی نیز در این زمینه برمی‌دارند. اما همین‌که کارگران پرچم اعتصاب را پایین آورده و کار را از سر می‌گیرند، سرمایه‌داران نیز در اولین فرصت مقتضی تمام وعده‌ها و قول و قرارهای خود را فراموش می‌کنند و آن را زیر پا می‌گذارند، نه فقط این، بلکه حتی درصدد انتقام‌جویی از کارگران برمی‌آیند و به کارگران فعال و پیشرو یورش می‌برند. از بدقابلی سرمایه‌داران اما شرایط متحول سیاسی جامعه و رشد آگاهی سیاسی کارگران بر بستر این شرایط، بر وفق مراد آن‌ها و این تاکتیک شناخته‌شده طبقه سرمایه‌دار حاکم نیست.

تمام شواهد موجود و تجربه مبارزات کارگری در سال جاری، حاکی از آن است که هر جا کارفرما تلاش نموده با وعده‌های فریبنده و توخالی، سر اعتصاب را برای همیشه به سنگ بکوبد، در اغلب موارد باشکست و ناکامی روبرو شده است. سرمایه‌داران البته توانسته‌اند با وعده‌های خویش زنگ پایان اعتصاب در این یا آن واحد را به صدا درآورند. همین‌که اما نیرنگ و حق‌بازی کارفرما مشخص شده، کارگران نیز بی‌معطلی اعتصاب را از سر گرفته و پیگیر مطالبات خویش شده‌اند. نمونه‌ها بسیارند به سه مورد آن اشاره می‌کنیم

نمونه اول پتروشیمی‌ها:

اعتصاب بزرگ و سراسری کارگران پیمانی و پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی که از اواخر خرداد سال جاری آغاز شد و ده‌ها هزار کارگر دردها پالایشگاه و پتروشیمی و حفاری و شرکت نفت و گاز را دربرگرفت، بسیاری از سرمایه‌داران و پیمانکاران غارتگر را به‌زانو درآورد. ده‌ها سرمایه‌دار و پیمانکار از روی اجبار برخی از خواست‌های کارگران نظیر

افزایش دستمزد، اجرای طرح بیست روز کار ده روز مرخصی، بهبود وضعیت غذا و خوابگاه‌ها را پذیرفتند و کارگران در این مراکز نیز به اعتصاب پایان دادند. برخی شرکت‌ها نه فقط این خواست‌ها را پذیرفتند، بلکه در آغاز گام‌هایی نیز در این راستا برداشتند و کموبیش به این خواست‌ها عمل کردند و کارگران این مراکز نیز به اعتصاب خود پایان دادند. اما مدت‌زمان زیادی از پایان اعتصاب نگذشت که دوباره اوضاع را به حال سابق یا تقریباً به حالت سابق برگرداندند. برخی دیگر از شرکت‌ها از همان ابتدا از محدوده وعده فراتر نرفتند و با پایان اعتصاب و آغاز کار مجدد کارگران، تمام وعده‌های خویش را زیر پا گذاشتند.

پاسخ کارگران اما در هردو مورد یگانه بوده است؛ ادامه اعتراض و اعتصاب و خواباندن چرخ تولید.

کارگران پتروشیمی‌های رازی، بیستون کرمانشاه و پتروشیمی آبادان، در اعتراض به خلف وعده مدیریت و عدم اجرای طرح بیست-ده و برای خواست‌های دیگری چون افزایش دستمزد، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، بهبود وضعیت غذا و خوابگاه‌ها و ایمنی محیط کار در هفته دوم آبان به مدت ۳ روز دست به اعتصاب زدند. کارگران پتروشیمی گچساران با خواست قرارداد دائمی و حذف پیمانکاران، پس از برپایی چند تجمع در محوطه شرکت، روز ۵ آبان نیز در مقابل فرمانداری شهر تجمع اعتراضی برپا کردند. سلسله اعتصابات و تجمعات کارگران پتروشیمی آبادان در هفته پایانی آبان نیز از سر گرفته شد. این تجمعات با خواست افزایش مزد و مزایا، به مدت ۴ روز ادامه یافت. کارگران پتروشیمی آبادان که تلاش مدیریت و حامیان دولتی آن در اداره کار برای ایجاد شورای اسلامی کار را باشکست روبرو ساخته بودند، خواهان ایجاد تشکل مستقل هستند. در پتروشیمی مارون و پالایشگاه آبادان رسماً به کارگران اعلام شد که طرح ۲۰-۱۰ فقط مربوط به کارگران عسولیه است. این موضوع اعتراض شدید کارگران این واحدها را نیز در پی داشته است. کارگران پتروشیمی تخت جمشید ماهشهر از روز ۱۰ آذر با خواست همسان‌سازی حقوق با سایر شرکت‌های منطقه ویژه اقتصادی و اجرای طرح ۲۰-۱۰ دست به اعتصاب زدند. کارگران پتروشیمی مبین پارس جنوبی نیز که با خواست اجرای همین طرح دست به اعتصاب زده بودند، روز دهم آذر وارد چندمین روز اعتصاب خود شده و خواهان برکناری مدیران دروغگو و عهدشکن شدند. ۴۰۰ کارگر پتروشیمی آبادان نیز که از روز هفتم آذر در اعتراض به عدم اجرای طرح ۲۰-۱۰ دست به اعتصاب زده و محل کار خود را ترک نموده بودند، در روزها ۸ و ۹ آذر نیز به اعتصاب ادامه دادند. در پتروشیمی‌های فجر و خمین نیز

اعتراضاتی صورت گرفت. در پتروشیمی ایلام بار دیگر کارگران هوشیار و آگاه بر سینه شورای اسلامی کار دست زدند و تمام تلاش مدیریت و حامیان آن در اداره کار را باشکست روبرو ساختند. اداره کار و مدیریت این پتروشیمی که از مدت‌ها قبل برای سرهم‌بندی کردن یک شورای اسلامی کار دست‌ساز خود برنامه‌ریزی کرده بودند، روز هفتم آذر صندوق رأی را به میان کارگران بردند. اما اکثریت قاطع کارگران، شورای اسلامی کار و انتخابات آن را تحریم کردند و به آن نه گفتند. آرای ریخته شده به صندوق حدنصاب را نیاورد. این دومین بار بود که کارگران پتروشیمی ایلام، تلاش مدیریت و اداره کار برای راه‌اندازی تشکل دولتی را باشکست روبرو ساختند. رئیس اداره کار ایلام در پایان این خیمه‌شنب‌بازی اعلام کرد: "علی‌رغم تلاش بسیار باوجود آنکه برای مشارکت بیشتر کارگران طبق هماهنگی‌های قبلی به‌عمل‌آمده صندوق رأی را به محل کار آن‌ها بردیم، اما تأثیری روی میزان مشارکت نداشت." وی گفت "این دومین بار است که در این پتروشیمی انتخابات شورای اسلامی برگزار می‌شود اما به حدنصاب لازم نمی‌رسد."

به‌جز نت می‌توان گفت اعمال نیرنگ‌ها و خلف وعده در پتروشیمی‌ها و در کل صنایع نفت و گاز و پتروشیمی کارساز نبوده و اعتراض و اعتصاب در این صنعت همچنان ادامه دارد.

نمونه دوم معدن مس سونگون ورزقان:

دور جدید اعتصاب، تجمع و رامپیمایی ۲۰۰۰ کارگر معدن مس سونگون که از روز نهم آذر آغاز شده تا امروز یکشنبه ۱۴ آذر وارد ششمین روز خود شده است. این کارگران که در روزهای پایانی آبان سال جاری با خواست تمدید قرارداد و بازگشت به کار ۱۶ تن از همکاران خود به‌طور متحد و یکپارچه دست به اعتصاب زده بودند، پس‌ازآنکه مدیریت به خواست کارگران تن داد و قرارداد ۱۶ کارگر اخراجی را تمدید کرد، دوم آذر به اعتصاب سه‌روزه خود پایان دادند. کارگران معدن مس سونگون که همگی زیرپوشش شرکت‌های پیمانکاری مشغول به کار هستند البته خواست‌های دیگری نیز داشته و دارند که هم در اعتصاب سه‌روزه واسط مهرماه سال جاری و هم در اعتصاب‌های

از جرعه‌های پی‌درپی اعتصاب تا انفجار بزرگ کارگری



خواست و گزینه مستقل خود ایستادند؛ افزایش دستمزد و همسان‌سازی حقوق و مزایا با کارگران ایران‌خودرو تهران و ادامه کاری کارخانه. در روزهای بعد به دنبال وعده‌هایی که مدیرکل کار آذربایجان شرقی به کارگران داد و همچنین پس از جلسه‌ای که در فرمانداری اسکو با نمایندگان کارگران برگزار شد، مدیریت شرکت قول داد به خواست‌های کارگران رسیدگی شود. روز ۹ آذر پس از دو روز تعطیلی کارخانه کارگران دوباره به سرکار بازگشتند.

شاید مدیریت ایران‌خودرو بر این خیال باشد که با تهدید و ارباب و به میان کشیدن ماجرای تعطیلی کارخانه، توانسته است اعتصاب را شکست دهد و کارگران را خاموش کند. اما این تمام واقعیت نیست. کارگر ایران‌خودرو نمی‌تواند خاموش شود. شاهد این مدعا اعتصاب قبلی همین کارگران است. همین کارگران در ۱۵ آبان سال جاری با همین خواست‌ها دست به اعتصاب زدند. حمید حاجی‌زاده منصور مدیرعامل شرکت، پانزده روز مهلت خواست تا به خواست کارگران رسیدگی کند اما چنین نکرد. کمتر از پنج روز پس از پایان این مهلت کارگران ایران‌خودرو تبریز دوباره وارد اعتصاب شدند.

اعتراضات و اعتصابات کارگری به‌روشنی بیانگر این واقعیت است که شکم‌گرسته کارگر با وعده وعید سیر نمی‌شود. با وعده توخالی و ارباب و تهدید و سرکوب و بگیروبند نمی‌توان کارگر را خاموش ساخت. این اعتصابات نشان‌دهنده چیز دیگری نیست جز اینکه کارگران ایران‌خودرو مانند کارگران معدن، مانند کارگران پتروشیمی و مانند کارگران صنعت نفت و کارگران سایر صنایع و کارخانه‌ها که هر روز دست به اعتراض و اعتصاب و تجمع و راهپیمایی می‌زنند، دیگر نمی‌خواهند و نمی‌توانند وضعیت موجود را تحمل کنند و راه دیگری ندارند جز آنکه برای تغییر آن به مبارزه روی‌آورند. دور نیست روزی که از این جرعه‌های پی‌درپی هشداردهنده‌ی روشنایی‌بخش، انفجاری عظیم و حریق بزرگ برخیزد و تمام نظم استثمارگرانه موجود را در آتش خود خاکستر کند.

سنگ‌شکن‌های معدن ممانعت به عمل آوردند و اقدام اعتصاب شکنانه مدیریت را به شکست کشاندند. آخرین خبرهای انتشاریافته حاکی از آن است که نیروهای انتظامی و یگان ویژه از ساعات اولیه بامداد روز یکشنبه ۱۴ آذر، کارگران معترض را که شب در خوابگاه مانده بودند و در این روز داخل مجتمع گردآمده بودند به محاصره خود درآورده و در عین حال از ورود بخش دیگری از کارگران به مجتمع که شب یکشنبه را به منازل خود برگشته بودند، ممانعت به عمل آورده‌اند.

اعتصاب چندروزه توأم با تجمعات پرشکوه و راهپیمایی بزرگ و شعارهای پرشور و پرتنین از نمونه همسان‌سازی حق مسلم ماست، " حقوق ما ریالیله. هزینه‌ها دلاریه"، و " مسئول بی‌لباقت اخراج باید گردد" که در ظرف کمتر از دو ماه سه بار تکرار شده، گویای این واقعیت است که کارگران معدن مس سونگون ورزقان، مانند کارگران پتروشیمی‌ها تا به خواست‌های خود نرسند دست از مبارزه بر نمی‌دارند و آرام نمی‌گیرند.

نمونه سوم ایران‌خودرو تبریز:

کارگران ایران‌خودرو تبریز با خواست همسان‌سازی مزد و مزایا با کارگران ایران‌خودرو تهران روز سوم آذر دست به اعتصاب زدند و روز بعد کارگران هر سه شیفت دست از کار کشیده و تولید به‌کلی متوقف شد. به دنبال این اعتصاب مدیرعامل شرکت در محل سالن تولید و مونتاژ سراسیمه در میان کارگران حاضر شد و به کارگران قول داد مزایای کارگران ایران‌خودرو تهران به کارگران پرداخت و دستمزدها به‌موقع به‌حساب کارگران واریز شود. او همچنین قول داد طرح طبقه‌بندی مشاغل نیز فوراً به اجرا درخواهد آمد. وعده‌های ظاهری برای پذیرش خواست‌ها اما بلافاصله جایش را به تلاش‌ها و تهدیدهای واقعی و پنهانی برای به شکست کشاندن اعتصاب سپرد. ششم آذر شرکت ایران‌خودرو با ارسال پیامکی به کارگران اعلام نمود کارخانه ایران‌خودرو تا اطلاع ثانوی تعطیل است. مدیریت شرکت با این ترفند و اقدام زورگویانه، کارگران را در منگنه گذاشت و آن‌ها را به خیال خود بر سر دوراهی قرارداد؛ یا اخراج و بیکاری یا رضایت به کار با همان شرایط قبلی؟ مدیریت شرکت ایران‌خودرو در واقع با گروگان‌گیری نان کارگر به جنگ کارگر رفت. کارگران ایران‌خودرو اما روی

بعد از آن عنوان نموده‌اند. افزایش مزد و مزایا، همسان‌سازی حقوق‌ها با معادن دولتی، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، قرارداد دائمی و برچیدن شرکت‌های پیمانکاری از جمله دیگر خواست‌های کارگران است. کارگران معدن سونگون همچنین خواهان منع تردد و اخراج ۴ تن از مدیران شرکت آهن آجین و شرکت مبین شده بودند. مدیرانی که در تضییع حقوق کارگران نقش مهمی داشته‌اند. در اعتصاب روزهای پایانی آبان و اوایل آذر، مدیریت مجتمع مس سونگون پذیرفت مانع تردد این مدیران در شرکت شود در عین حال از طرف شرکت ملی مس، وعده‌هایی پیرامون بهبود وضعیت حقوق و مزایای کارگران داده شد. اما بعد از پایان آن اعتصاب اولاً دوباره سروکله این مدیران در شرکت پیدا شد و ثانیاً پیمانکاران هیچ اقدامی در زمینه افزایش دستمزدها، نوع قراردادهای و سایر خواست‌ها انجام ندادند. نه فقط هیچ بهبودی در این زمینه‌ها حاصل نشد بلکه حتی در مواردی قرارداد کار نیز به کارگران داده نشد. از این‌رو کارگران نیز دور جدید اعتصاب و تجمع و راهپیمایی را از ۹ آذر آغاز نموده‌اند. مدیران شرکت‌های پیمانکاری برای شکستن اعتصاب و مقابله و سرکوب کارگران به روش‌ها و



ترفندهای گوناگونی متوسل شدند. سرویس‌های ایاب‌وذهاب را قطع کردند، آشپزخانه شرکت را تعطیل کردند، آب شرب را به روی کارگران بستند، آنتن‌های موبایل و اینترنت را قطع کردند. اما این اقدامات ایذایی و سرکوبگرانه کمترین خللی در اراده کارگران متحد برای ادامه اعتصاب وارد نساخت. در روزهای بعد مدیریت و حراست همراه با تنی چند از نمایندگان دولتی و امنیتی در یک جلسه با نمایندگان کارگران با توسل به تهدید و ارباب سعی کردند کارگران را به اتمام اعتصاب وادار کنند. اما کارگران مبارز معدن مس استوار و یکصدا بر تداوم اعتصاب تا رسیدن به خواست‌های خود پافشاری کردند. روز شنبه ۱۳ آذر، مدیریت مجتمع با هماهنگی قرارگاه خاتم‌الانبیاء قصد داشتند به‌وسیله کامیون، مواد اولیه برای سنگ‌شکن‌ها به محوطه معدن بیاورند. کارگران برای خنثی نمودن این عمل اعتصاب شکنانه در یک‌راه پیمایی ۴ ساعته به‌طرف دهانه سنگ‌شکن در حرکت بودند که ناگهان یک دستگاه جرثقیل ده چرخ حامل تیر آهن با سرعت بالا و بدون هیچ‌گونه اخطار (بوق زدن یا روشن کردن چراغ) در جاده سرازیری به درون ازدحام و صفوف کارگران وارد شد که تنها عکس‌العمل سریع و هوشیاری کارگران بود که توانست مانع تلفات شود. علی‌رغم تمام این اقدامات و تهدیدات، کارگران از ورود مواد به

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک
اعتصاب عمومی سیاسی و قیام
مسلحانه برانداخت**

حمید نوری از انکار تا اهانت به دادگاه

بین المللی" و "جنایت علیه بشریت" با حکم دادستانی سوئد دستگیر شد. حکم بازداشت موقت او به دستور قاضی پرونده، هر چهار هفته یکبار تمدید شد و پس از ۲۰ ماه بازداشت، پرونده او با یک کیفرخواست ۴۴ صفحه‌ای به انضمام ۱۰ هزار صفحه بازجویی، به دادگاه عالی سوئد ارسال شد. دادگاه حمید نوری از تاریخ ۱۹ مرداد ۱۴۰۰ (دهم اوت ۲۰۲۱) شروع شد و به مدت ۸ ماه تا ماه آوریل ۲۰۲۲ ادامه خواهد یافت. از شروع دادگاه تا پایان ۴۱ امین جلسه آن که در تاریخ دوشنبه هشتم آذر خاتمه یافت، ده ها نفر از زندانیان جان به در برده گوهردشت به عنوان شاکیان و شاهدان پرونده در دادگاه حضور یافتند. شاکیان پرونده طی جلسات دادگاه، چشم در چشم حمید نوری راوی لحظه های مرگباری شدند که در آن روزهای خونین کشتار زندانیان، "حمید عباسی" زندانیان را از سلول و بند خارج می کرد و آنان را با تحقیر و توهین به نزد "کمپته مرگ" می برد. شاکیان، با روایت آن روزهای وحشت و مرگ، از نقش فعال "حمید عباسی" در به مسلخ بردن زندانیان سخن گفتند، جملگی هویت او را شناسایی کردند و در مقابل پرسش رئیس دادگاه اذعان کردند که حمید نوری همان "حمید عباسی"، کمک دادیار زندان گوهردشت است. کسی که زندانیان را پیش هیئت مرگ می برده و سپس آنان را در صف های چند نفره برای به دار آویختن به "حسینیه" زندان گوهردشت جهت اجرای مرگ هدایت می کرد.

جلسات دور اول دادگاه که طی ۴۱ جلسه تا روز دوشنبه اول آذر ۱۴۰۰ (۲۲ نوامبر) برگزار شد، تماما به بازپرسی از شاکیان و شاهدان این پرونده اختصاص یافت. در این مدت ۲۴ شاکی و شاهد در جلسات دادگاه حضور یافته اند و جملگی شهادت دادند که حمید نوری همان "حمید عباسی"، کمک دادیار زندان گوهردشت است. کسی که در کشتار زندانیان در تابستان ۶۷ نقش بسیار فعالی داشته است. از ویژگی های تکان دهنده دادگاه حمید نوری، روایت شاکیان و شاهدان این پرونده است. شاکیانی که خود روزهای کشتار زندانیان گوهردشت را شاهد بوده اند، زندانیانی که لحظه های خوفناک نشستن در "راهروی مرگ" را تجربه کرده اند، به صف شدن زندانیان محکوم به اعدام و هدایت آنان به قتلگاه حسینیه گوهردشت را دیده اند.

شنیدن روایت لحظه های کشتار تابستان ۶۷ از زبان زندانیانی که خود روزهای متمادی در "راهروی مرگ" به انتظار مانده بودند تا با فراخوان "حمید عباسی" و "ناصریان"

به نزد "کمپته مرگ" هدایت شوند، از دردناکترین صحنه های دادگاه حمید نوری است. شاهدان و شاکیانی که از مشاهدات خود در انتقال طناب های دار به "حسینیه مرگ" سخن گفتند، از تل انبار شدن دمپایی های زندانیان به دار آویخته حرف زدند، از نقش "حمید عباسی" در به صف کردن زندانیان محکوم به اعدام و انتقال آنان به "حسینیه مرگ" گفتند و از انتقال اجساد زندانیان اعدام شده به درون کامیون های یخچال دار حرف زدند. اجساد زندانیان اعدام شده ای که آن روزهای مرگ، هر غروب به گورستان های بی نام و نشان حمل می شدند. شاکیان پرونده، همچنین از خنده های مستانه "حمید عباسی" یاد کردند، که در آن روزهای خوفناک کشتار و مرگ، با وقاحت تمام به زندانیان منتظر در "گریدور مرگ"، شیرینی تعارف می کرد.

با پایان یافتن دور اول جلسات دادگاه حمید نوری که تماما به بازپرسی از شاکیان و شاهدان اختصاص داشت، دور اول بازپرسی از حمید نوری فرا رسید. مرحله اول بازپرسی حمید نوری به مدت شش جلسه از روز دوشنبه اول آذر (۲۲ نوامبر) شروع شد و تا پایان روز پنجشنبه ۱۲ آذر (دوم دسامبر ۲۰۲۱) ادامه یافت.

در شش جلسه بازپرسی، حمید نوری با گذشت ۳۳ سال از کشتار تابستان ۶۷، با همان خوی و خصلتی که شاهدان زندانی طی ۴۱ جلسه دادگاه از او ترسیم کردند، از اساس منکر حضور خود در زندان گوهردشت شد. او با لودگی تمام همه شاکیان و شاهدان پرونده را که به طور متقن و مستدل حضور و نقش او را در کشتار زندانیان گوهردشت در تابستان ۶۷ تایید کرده اند، دروغگو خواند. حمید نوری نه تنها منکر حضور خود در زندان گوهردشت شد، نه تنها مسئولیت کمک دادیاری در زندان گوهردشت را انکار کرد، بلکه از بیخ و بن قتل عام سراسری زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ را نیز منکر شد. حمید نوری همانند همه مسئولان جمهوری اسلامی که تا ده سال پیش از اساس کشتار جمعی زندانیان سیاسی را منکر می شدند، خودش نیز در جلسات بازپرسی دادگاه، کشتار بیش از ۵ هزار زندانی سیاسی در تابستان ۶۷ را منکر شد و موضوع این قتل و عام را ساخته "توهمات" زندانیان جان بدر برده، خانواده های زندانیان جان باخته، سازمان های سیاسی و عفو بین الملل دانست و با وقاحتی کم نظیر همه آنان را به دروغگویی متهم کرد. حمید نوری با این توهم که همچنان در زندان مسئولیت دارد و بر زندانیان حکومت می کند، در جلسه روز جمعه ۲۶ نوامبر،

وقاحت را به آنجا رساند که حتی وکیل مدافع شاکیان پرونده را نیز دروغگو خطاب کرد. اهانتی که به سرعت با واکنش دادگاه مواجه شد و قاضی پرونده این رفتار حمید نوری را "بی ادبی" و "پررویی" دانست. حمید نوری در ادامه بازپرسی های خود بر مبنای همان سیاست انکار مطلق، منکر وجود گلزار خاوران هم شد و خاوران را نیز محصول "توهمات" کمونیست ها، زندانیان جان بدر برده، خانواده های زندانیان جان باخته و تبلیغات عفو بین الملل دانست که جملگی علیه جمهوری اسلامی فعالیت می کنند.

حمید نوری در شش جلسه مرحله اول بازپرسی ها، به گفته خود، "فونداسیون" دفاعیات خود را بر مبنای سیاست انکار پایه ریزی کرد. این روش او دقیقا بر گرفته از سیاست انکار هیئت حاکمه ایران است که دست کم تا ده سال پیش از اساس منکر قتل عام زندانیان در تابستان ۶۷ بودند. جمهوری اسلامی طی دو دهه سیاست انکار کشتار زندانیان را چنان پیش برد که در دو دهه اول پس از کشتار، پیشبرد این سیاست به خط قرمز رژیم تبدیل شد و طی بیش از ۲۰ سال اساسا در درون کشور و حتا در رده های درون حاکمیت نیز کسی مجاز به سخن گفتن از فاجعه تابستان ۶۷ نبود. اما در سال های گذشته با هرچه بیشتر مستند شدن کشتار زندانیان و محکومیت جهانی جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی، تشنه رسوایی رژیم از بام به زیر افتاد و صدایش در جهان پیچید. لذا در ده سال گذشته، جمهوری اسلامی به نوعی به سیاست انکار پایان داد و این بار قتل عام تابستان ۶۷ را پذیرفت، اما همه تلاش خود را بر وارونه جلوه دادن اصل و ماهیت کشتار زندانیان سیاسی متمرکز ساخت. پس از دو دهه انکار مطلق، به یکباره تجلیل از فرمان خمینی برای قتل عام زندانیان به سیاست روز رژیم تبدیل شد. جانیانی نظیر مصطفی پور محمدی (عضو کمیسیون مرگ)، علی فلاحیان (وزیر اطلاعات کابینه رفسنجانی)، روح الله حسینیان (چهره امنیتی رژیم که چندی پیش در اثر کرونا درگذشت)، ابراهیم رئیسی (عضو هیئت مرگ و رئیس جمهوری فعلی نظام)، احمد خاتمی (عضو شورای نگهبان و مجلس خبرگان)، بساری از امامان جمعه و تعداد دیگری از جانیان جمهوری اسلامی نه تنها از فرمان خمینی و قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ تجلیل کرده اند، بلکه آدمکشی همچون روح الله حسینیان در خرداد ۹۹ خواهان "دادن جایزه" به ابراهیم رئیسی و دیگر اعضای هیئت مرگ هم شد. جایزه ای که ابراهیم رئیسی نیز در اولین کنفرانس مطبوعاتی خود پس از منصوب شدن به مقام ریاست جمهوری به پاس خدماتش در کشتار در صفحه ۶

حمید نوری از انکار تا اهانت به دادگاه

زندانیان، برای خود طلب کرد.

حال در چنین شرایطی که جمهوری اسلامی بر اصل کشتار تابستان ۶۷ صحنه گذاشته است، این پرسش مطرح است که چرا حمید نوری از اساس منکر چنین کشتاری شده است. آیا این نشانه شجاعت اوست یا بیانگر ترس و بلاهت او در مواجهه با مستندات دادگاه سوئد است؟ دادگاه حمید نوری به لحاظ تاریخی و طولانی بودن زمان دادگاه، به رغم اینکه یک دادگاه بین المللی است اما دارای یک تفاوت اساسی با دیگر دادگاه های بین المللی برگزار شده در زمان های پیشین است. دادگاه نورنبرگ (۱۹۴۵)، دادگاه میلوسویچ (۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶ که او در زندان درگذشت) و حتا طرح تشکیل دادگاه بین المللی ژنرال پینوشه (در سال های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۶) همه در شرایطی ایجاد شدند که رژیم سیاسی مدافع متهمان حاضر در دادگاه، از قدرت ساقط و مجرمان جرائم جنگی و جنایت علیه بشریت فاقد هرگونه حمایت سیاسی و حکومتی دولت های جدید مستقر در کشورشان بودند.

دادگاه نورنبرگ اولین دادگاه در تاریخ بود که در آن، سران حکومت، دولت و ارتش، مسئول تمام جنایاتی بودند که در دوران حاکمیت آنان در کشورشان صورت گرفته بود. آنان در دادگاهی مستقل و با ویژگی های بین المللی به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شدند. جنایتکارانی که محکومیت جنایی شان محرز بود و راه هرگونه معاوضه و یا معامله در مسیر پرونده برای آنان با دولت های متبوع شان بسته بود. دادگاه حمید نوری اما در شرایطی برگزار می شود که هنوز رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در قدرت قرار دارد. رژیمی که هر چند غیر رسمی اما آشکارا و تمام قد در پشت پرونده حمید نوری قرار دارد و از او حمایت می کند. از این رو، حمید نوری همواره با دو چهره متضاد گرفتار در بیم و امید در جلسات دادگاه حضور یافته است. او، چنانچه خودش اذعان کرده است، به مدت ده سال در زندان اوین و سیستم قضایی جمهوری اسلامی کار کرده است. حمید نوری به خوبی از جزئیات سیاست شکنجه و کشتار زندانیان در زندان های جمهوری اسلامی و نیز از سر به نیست کردن کسانی که "اسرار" رژیم را فاش می کنند، آگاه است. او نیک می داند که جمهوری اسلامی هنوز در قدرت است و خانواده اش نیز به مثابه گروگان در چنگال جمهوری اسلامی گرفتارند. افشای کمترین "اسرار" نظام، می تواند به اعمال فشار سنگین به خانواده اش منتهی شود. او همچنین بر محکومیت خود

در دادگاه سوئد و گرفتن حبس نیز آگاه است. از این رو، آگانه از بکارگیری هر واژه ای که خوشایند جمهوری اسلامی نباشد، پرهیز می کند تا بعدها در صورت معاوضه و بازگشت به ایران، دستگیر و به دست خودی ها سر به نیست نشود. در تمامی جلسات دادگاه او از بکارگیری لفظ مجاهدین پرهیز کرده و همواره بر سیاست رسمی جمهوری اسلامی در اطلاق نام آنان به "منافقین" تاکید ویژه ای داشته است. در یکی از جلسات بازپرسی، وقتی رئیس دادگاه از او خواست که از بکار گیری لفظ "منافقین" پرهیز کند و آنان را با همان نام رسمی شان که در کیفرخواست آمده است مورد خطاب قرار دهد، گفت: آقای رئیس، اگر من به جای "منافقین" آنان را مجاهدین خطاب کنم، به محض ورود به ایران، بجای اینکه گل به گردنم ببندازند، مرا دستگیر و به زندان خواهند برد. در بیان همین جمله کوتاه حمید نوری، توامان امید و بیم او را در مسیر پرونده می توان دید. امید به معاوضه و اویختن گل به گردنش به هنگام ورود به ایران و بیم از محکومیت و گرفتار شدن در چنبره خشم جمهوری اسلامی. امید نوری البته چندان هم بی مورد هم نیست. در روزهای برگزاری دادگاه سه مامور سفارت جمهوری اسلامی ایران در سوئد به طور مداوم در سالن دادگاه حضور دارند. مامورانی که با بهره مندی از مصونیت دیپلماتیک تا بدان حد جسارت یافته اند که پدram پورکریمی، مسئول پخش مستقیم جلسات دادگاه را تهدید کرده اند که در "ایران" و یا در همین "سوئد" همدیگر را خواهند دید. در جلسات دادگاه حمید نوری، خصوصا در روزهای بازپرسی از او، اگرچه بیم و اضطراب و دلپره در سراپای وجودش موج می زد، اما او هم به پشتوانه حمایت جمهوری اسلامی و هم به لحاظ ترس از عقوبت رژیم که هنوز بر اریکه قدرت است، سیاست انکار را پیشه کرده و به زعم خود با اتکاء به پشتوانه حکومتی، کل فضای دادگاه را به اهانت و لودگی گرفته و خود را ملزم به پاسخگویی نمی داند.

در دادگاه نورنبرگ اما برای جلوگیری از طفره رفتن محکومین از پاسخگویی، حتی اگر امکان اثبات مسئولیت شخصی آنان در مورد جنایات وجود نداشت، تصمیم گرفته شد که شرکت در سازمان جنایی جنایتکاران نازی و عضویت در سازمان های جنایی، جنایت محسوب می شود و هرگونه فعالیت و عضویت در سازمان های جنایی آلمان نازی، جرم و موجب عقوبت خواهد بود. با چنین پشتوانه ای از تصمیمات دادگاه بین

المللی نورنبرگ، از ۲۲ متهم پرونده، ۱۲ نفر به اعدام محکوم شدند. گورینگ، یکی از متهمان اصلی پرونده در زندان خودکشی کرد، همانگونه که میلوسویچ پیش از اجرای حکم در زندان درگذشت. در واقع بر بستر چنین تفاوت هایی میان دادگاه نورنبرگ و دادگاه حمید نوری است، که او این چنین جسارت یافته است تا علاوه بر انکار جنایات خود، کشتار بزرگ تابستان ۶۷ را نیز به کلی منکر شود. کشتاری که اکنون همه جنایتکاران مسئول جمهوری اسلامی از جمله ابراهیم رئیسی نیز آن را تایید و بر آن صحنه گذاشته اند.

از روز دوشنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۰ (۶ دسامبر)، دور دوم جلسات دادگاه حمید نوری شروع می شود، جلساتی که اینبار به بازپرسی از ۲۰ شاهد زندانی چپ و کمونیست اختصاص دارد. زندانیانی که از پروسه کشتار مرداد و شهریور ۶۷ در زندان گوهردشت زنده مانده اند و اکنون به عنوان شاهدان پرونده به جلسات مرحله دوم دادگاه فرا خوانده شده اند تا مدارک، مستندات و شواهد خود را علیه "حمید عباسی" ارائه دهند. این مرحله از جلسات دادگاه نیز تا نیمه دوم فوریه ۲۰۲۲ طول خواهد کشید و پس از بیان اظهارات زندانیان چپ و کمونیست، در ۲۴ فوریه به مدت سه روز مجددا نوبت بازپرسی از حمید نوری خواهد بود تا در مورد اظهارات شاهدان چپ و کمونیست از خود دفاع کند. باید دید در دادگاه بزرگی که بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی در درون کشور تشکیل می شود، حمید نوری و دیگر جانین جمهوری اسلامی باز هم بر سیاست انکار تکیه می کنند یا از ترس و استصال و جبونی از همان آغاز دستگیری رنگ باخته و تسلیم محض دادگاه می شوند؟ شاید هم از قباح و پلشتی این همه کشتار و جنایت، پیش از حضور در دادگاه، به زندگی خود خاتمه دهند.



اطلاعیه کمیته خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

مسئول پخش زنده دادگاه حمید نوری توسط مأمور جمهوری اسلامی تهدید شد

در طی دوران برگزاری دادگاه حمید نوری ملقب به حمید عباسی، چند تن از ماموران جمهوری اسلامی از طرف سفارت رژیم در سوئد جهت به اصطلاح پیگیری دادگاه حمید نوری و در اصل برای جاسوسی از مخالفان رژیم، در سالن ۶ دادگاه استکهلم مستقر شده‌اند. روز جمعه ۵ آذر ۱۴۰۰ (۲۶ نوامبر ۲۰۲۱) یکی از سه مأمور سفارت جمهوری اسلامی، پدram پورکریمی، مسئول پخش زنده جلسات دادگاه حمید نوری را تهدید کرد. تهدید پدram پورکریمی، زمانی اتفاق افتاد که او جهت ثبت وقایع دادگاه، مشغول فیلمبرداری از جمعیتی بود که در زمان استراحت از سالن دادگاه بیرون می‌آمدند.

در ویدئوی که روز گذشته در شبکه‌های اجتماعی پخش شده است، پدram در مورد این اتفاق می‌گوید، که یکی از دو ماموری که در راهرو دادگاه ایستاده بودند، به سوی او حرکت کرده و در حالی که از او فیلم می‌گرفت، با لحنی تند به پدram می‌گوید چرا از آن‌ها فیلم می‌گیرد. پدram در جواب می‌گوید، فیلمبرداری در مکان‌های عمومی در سوئد آزاد است. وقتی پدram فیلمبرداری را به اتمام می‌رساند، آنگونه که در ویدئو دیده می‌شود، مأمور جمهوری اسلامی مچ هر دو دست پدram را می‌گیرد و به او می‌گوید فیلم و تصویر او را دارد و وقتی به ایران برود، می‌دانند با او چکار کنند. مأمور سفارت، وقتی پاسخ پدram را می‌شنود تا زمانی که جمهوری اسلامی در قدرت است، او به ایران بر نخواهد گشت، به پدram می‌گوید پس در سوئد همدیگر را خواهند دید. در واقع مأمور جمهوری اسلامی در مقابل چشمان چندین نفر که در همان محل حضور داشتند، پدram پورکریمی را اینچنین تهدید می‌کند.

اینکه ماموران جمهوری اسلامی، در خارج از کشور مخالفان رژیم را اینگونه تهدید می‌کنند، امر تازه‌ای نیست. ماموران رژیم سال‌هاست که در لباس دیپلماتیک و در بیخ گوش سازمان‌های امنیتی کشورهای اروپایی با ایجاد شبکه‌های وسیع جاسوسی و تروریستی صدها نفر از فعالان سیاسی و مخالفان جمهوری اسلامی را ترور کرده‌اند. در سال‌های اخیر در پی تلاش نیروهای تبعیدی و گسترش مبارزات خیابانی توده‌های مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، سیاست ممانعت‌گرانه اتحادیه اروپا در مقابل اقدامات جاسوسی و تروریستی مزدوران جمهوری اسلامی تا حدودی تغییر یافته است. نتیجه عملی این تغییر رویه، دستگیری اسدالله اسدی، دبیر سوم سفارت جمهوری اسلامی در وین بود که پس از محاکمه در دادگاه بروکسل بلژیک، به ۱۷ سال زندان محکوم شد. با این همه و به رغم محکومیت اسدالله اسدی، شبکه‌های وسیع جاسوسی و تروریستی جمهوری اسلامی کماکان در اغلب کشورهای اروپایی دست نخورده باقی مانده‌اند. شبکه‌هایی که عموماً توسط همین ماموران تروریست و اطلاعاتی جمهوری اسلامی تحت عنوان ماموران دیپلماتیک سازماندهی و هدایت می‌شوند.

کمیته خارج سازمان فدائیان (اقلیت)، تهدید پدram پورکریمی توسط ماموران مزدور جمهوری اسلامی را به شدت محکوم کرده و خواستار پیگیری این تهدید توسط مقامات قضایی سوئد می‌باشد.

کمیته خارج سازمان فدائیان (اقلیت) بر این باور است که تنها با افشاگری، همبستگی و برخورد فعال در مقابل تهدیدات ماموران جمهوری اسلامی در خارج از کشور می‌توان آنان را رسوا و اقدامات جاسوسی و تروریستی آنان را خنثی ساخت.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی
 نابود باد نظام سرمایه داری
 زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم
 کمیته خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
 ۷ آذر ۱۴۰۰

کار نان آزادی – حکومت شورایی

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

دانشجو، کارگر، اتحاد! اتحاد!

روز دانشجو گرامیداشت جنبشی اجتماعی و آگاهی‌بخش در ایران است که با تاریخ مبارزات حق‌طلبانه تهیدستان جامعه عجین است و وجه بارز آن سنت مبارزاتی رادیکال و چپ در بزنگاه‌های مهم تاریخی می‌باشد. در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ زمانی که کودتا آخرین مقاومت‌های جامعه را در هم می‌شکست، دانشجویان علیه دولت کودتا به مبارزه برخاستند و در ادامه این مبارزات در ۱۶ آذر همان سال دانشجویان به‌مثابه قشر جوان و آگاه جامعه در اعتراض به سفر ریچارد نیکسون و نیز از سرگیری روابط دیپلماتیک با دولت بریتانیا که هر دو از سازمان دهندگان کودتا بودند، دست به تظاهرات زدند. اعتراضات دانشجویان با واکنش سریع و وحشیانه کودتاگران مواجه شد و در یورش نیروهای نظامی سه تن از دانشجویان جان باختند و صدها تن زخمی و دستگیر شدند. این سرآغاز شکل گرفتن یک سنت مبارزاتی رادیکال در جنبش دانشجویی ایران بود، جنبشی که در تداوم خود در کلیه جدال‌های سیاسی و طبقاتی جامعه حضوری پررنگ پیدا کرد. بعد از قیام سال ۵۷، دانشجویان دانشگاه را به عرصه جدال با هر آنچه که نماینده ارتجاع و ضدانقلاب بود تبدیل کردند. در تیرماه سال ۱۳۷۸ و در اوج تسلط گفتمان اصلاح‌طلبان حکومتی، یکبار دیگر دانشجویان دانشگاه‌ها را با خیزش در خیابان در هم آمیختند. سرکوب خونین خیزش دانشجویان و هم‌آوایی هر دو جناح رژیم در این سرکوب، خود زمینه‌ساز عقب راندن بازوهای باندهای رژیم در دانشگاه و بسته شدن نطفه‌های عروج مجدد سنت‌های انقلابی در جنبش دانشجویی گردید. بعد از این دوره هم دانشجویان پیشرو از پای ننشستند و جنبش دانشجویی گام‌به‌گام به‌عنوان یک جنبش بالنده، چپ و رادیکال به پیشروی خود ادامه داد.

دانشجویان در خیزش سراسری دی‌ماه ۹۶ نیز که تحول بزرگی در آگاهی توده‌ها ایجاد کرد فعالانه شرکت کردند. شعار "اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" را بخش رادیکال جنبش دانشجویی به میان خیزش توده‌ها برد. دانشجویان در آن "هفت روزی که خیزش توده‌ها ایران را لرزاند" با تهیدستان شهری همراه بودند. بدین گونه دانشجویان نشان دادند که در نبرد بین فقر و ثروت، در تخاصم بین استبداد و آزادی، در تخاصم بین تبعیض جنسیتی و رهایی زن در کجا ایستاده‌اند. اقدام به برداشتن روسری از جانب تعدادی از زنان جوان در مراسم جشن فارغ‌التحصیلی در جلو دانشگاه تهران در روز یازدهم آبان امسال، نمونه دیگری از تعرض به یکی از ارکان ایدئولوژی این رژیم و مبارزه دانشجویان علیه حجاب اجباری بود. از این روی با جرأت می‌توان گفت که بخش پیشرو و رادیکال جنبش دانشجویی استراتژی اتحاد با جنبش کارگری، فرودستان و محرومان جامعه را در پیش گرفته است. فریاد "فرزند کارگرانیم، در کنارشان می‌مانیم" در دانشگاه‌ها، برپایی آکسیون‌های حمایتی از اعتصابات کارگران، همراهی با اعتراضات سراسری معلمان و بازنشستگان، قرار گرفتن در صف زنانی که حجاب را بر زمین می‌افکنند نمونه‌هایی از بازتاب این رویکرد رادیکال در جنبش دانشجویی است. شانزدهم آذر امسال را در شرایطی گرامی می‌داریم که جامعه پس از خیزش انقلابی دی‌ماه ۹۶ وارد مرحله نوینی از مبارزات علنی و خیابانی توده‌های مردم ایران شده و گام‌به‌گام به‌سوی شرایط انقلابی در حرکت است. کارگران نفت و گاز و پتروشیمی، کارگران هفت‌تپه، خیزش آب در خوزستان، اصفهان و چهارمحال و بختیاری، معلمان، بازنشستگان، کارگران خدماتی و شهرداری‌ها و... با اعتصابات و حرکت‌های اعتراضی مداوم خود نوید تحولاتی سرنوشت‌ساز را می‌دهند. دانشجویان مترقی و آگاه که با محرومان و تهیدستان جامعه و سایر جنبش‌های اجتماعی عجین هستند می‌توانند نقش بسزایی در پیشروی این جنبش‌ها داشته باشند، چون آن‌ها با همه آن مصائبی روبرو هستند که جامعه با آن روبروست. از این روی اتحاد جنبش دانشجویی با سایر جنبش‌های اجتماعی و به‌ویژه جنبش کارگری می‌تواند نقش برجسته خود را در پیشروی به‌سوی شرایط انقلابی و تلاش برای برقراری گزینه‌ای سوسیالیستی و شورایی کارگری داشته باشد.

گرامی باد ۱۶ آذر، روز دانشجو

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده‌باد آزادی، زنده‌باد سوسیالیسم

۱۱ آذر ۱۴۰۰ - ۲ دسامبر ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکم‌نیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

زنده باد جنبش چپ و سوسیالیستی دانشجویی

جمهوری سال ۹۶ بین حسن روحانی "بد" و ابراهیم رئیسی "بدتر" بود. اما شرایط جامعه با سرعت در حال تغییر بود و تنها چند ماه بعد با جنبش اعتراضی سراسری دی‌ماه ۹۶ و آغاز دورانی انقلابی، توده‌ها نقطه پایانی بر این توهمات گذاشتند و شعار دانشجویان در واقع بر بستر چنین شرایطی بود که به میان مردم رفت و به شعار توده‌ها بویژه در عرصه عمل تبدیل گردید. از این تاریخ است که گفتمان چپ و سوسیالیستی در جنبش دانشجویی بار دیگر به گفتمان غالب در دانشگاه‌ها تبدیل گردید و تمامی جریان‌های فکری دیگر را به کنار زد.

در سال‌های بعد این روند و گفتمان با سرعتی بسیار تقویت شد و این را می‌توان در غالب حرکت‌های دانشجویی دید. حمایت دانشجویان از مبارزات کارگران بویژه کارگران هفت‌تپه و فولاد در سال ۹۷ با برگزاری تظاهرات در محوطه‌ی دانشگاه‌ها و با برگزاری نمایش‌های خیابانی و غیره و سردادن شعارهایی همچون "نان، کار، آزادی، اداره شورایی"، "فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم" و "از هفت‌تپه تا تهران، زحمتکشان در زندان" بیان این مساله بود که جنبش دانشجویی خود را متحد طبقه کارگر می‌داند و در راستای اهداف و منافع این طبقه به میدان مبارزه گام نهاده است.

در ۲۳ اردیبهشت ۹۸، دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به تهدید دختران دانشجو به خاطر حجاب توسط گشت ارشاد، با شعارهایی همچون "نان کار آزادی، پوشش اختیاری"، "بی‌کاری، بی‌گاری، حجاب زن اجباری"، "دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد" دست به اعتراض زدند که موجب عقب‌نشینی رژیم شد. در این اعتراضات دانشجویان همچنین با شعار "علی‌نژاد و ارشاد، ارتجاع و انقیاد" به وضوح مرزبندی جنبش چپ و رادیکال دانشجویی را با جریان‌های و افراد اپوزیسیون طرفدار نظم سرمایه‌داری که قصد استفاده ابزاری از اعتراضات دانشجویان را در راستای اهداف طبقاتی خود دارند، فریاد زدند.

در آبان ۹۸، بار دیگر دانشجویان همپای با قیام‌کنندگان با شعارهای رادیکال و با مضمونی انقلابی همچون "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "نان، کار، آزادی - اداره شورایی"، "از هفت تپه تا تهران، زحمتکشان در زندان"، "بنزین گرون‌تر شده، فقیر فقیرتر شده"، "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه نمومه ماجرا" دست به اعتراض زدند. وقتی مهار اعتراضات دانشجویان از دست رژیم خارج شد، سرکوب و به بند کشیدن دانشجویان آغاز گردید. در دانشگاه تهران، ۲۷ آبان‌ماه جمهوری اسلامی مزدوران مسلح خود را با استفاده از آمبولانس به محوطه دانشگاه آورد و به ضرب و شتم و دستگیری دانشجویان پرداخت.

همان کاری که گارد شاهنشاهی در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ کرده بود. در همان روزها حداقل ۵۰ دانشجو در دانشگاه تهران و علامه دستگیر شدند. اما حتی سرکوب وحشیانه قیام آبان و دستگیری و به بند کشیدن دانشجویان نتوانست صدای دانشجویان را خفه کند. ۱۶ آذر ۹۸ یکی از پرشکوه‌ترین ۱۶ آذرهای تاریخ با شعارهایی همچون "سرکوب پایان راه نیست، مقاومت

زندگی‌ست"، "آبان ماه امساله، کشتار میدان ژاله"، "خیابونا خونی شد، آزادی قربانی شد"، "فقر، کشتار، گرانی، مردم شدند قربانی"، "نان کار آزادی، پوشش اختیاری"، "دانشجو، کارگر، معلم، اتحاد اتحاد"، "نان کار آزادی، اداره شورایی" توسط دانشجویان گرمی داشته شد. دانشجویان همچنین با سردادن شعار "مجاهد و پهلوی، دو دشمن آزادی" و "علی‌نژاد و ارشاد، ارتجاع و انقیاد" مرزبندی طبقاتی خود با اپوزیسیون بورژوازی را اعلام کردند.

همچنین در دانشگاه تهران و به مناسبت این روز، حکومت اسلامی ابراهیم رئیسی رئیس وقت قوه قضاییه را به عنوان سخنران مراسم دولتی ۱۶ آذر فرستاد، مراسمی بدون حضور دانشجویان و تنها با حضور مزدوران حکومتی. اما دانشجویان در تجمع اعتراضی خود با شعار "قضائیه جلادان، مقدمات خون‌باران" به استقبال این جلاد و از عوامل کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ رفتند.

در پی سرنگونی هواپیمای اوکراینی و جان باختن ۱۷۶ خدمه و مسافر آن در ۱۸ دی‌ماه، بار دیگر اعتراضات آغاز شد، اعتراضاتی که دانشجویان از جمله در دانشگاه‌های تهران، پلی‌تکنیک و صنعتی پرچم آن را برافروختند و یک هفته ادامه یافت. در جریان اعتراض دانشجویان پلی‌تکنیک، خیابان حافظ و چهارراه کالج مملو از جمعیتی شد که شعار می‌داد: "جمهوری اسلامی نابود باید گردد".

"از تهران تا بغداد، شعار ما انقلاب"، "چه دی باشه چه آبان، پیام یکی ست انقلاب"، "چه دی باشه چه آبان، پیکار کف خیابان"

"دانشجو کارگر، اتحاد اتحاد" و "دانشجو و کارگر، ایستاده‌ایم درسنگر"، "به من نگو فتنه گر، فتنه تویی ستمگر" (پاسخ به سخنان خامنه‌ای و فتنه‌گر خواندن قیام‌کنندگان آبان)، "چه شاه باشه چه رهبر - مرگ بر ستمگر"، "کشته ندادیم که سازش کنیم"، "هزاروپانصد نفر کشته آبان ماست"، "خامنه ای حیا کن مملکت رو رهاکن" از دیگر شعارهای آن روزها بودند. این را هم فراموش نکنیم که این اعتراضات درست بعد از نمایش‌های خیابانی و هیاهویی بود که رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با کشته شدن قاسم سلیمانی و با هدف خاموش کردن شعله‌های قیام آبان برپا کرده بود.

جنبش دانشجویی بویژه در همین اعتراضات بود که با شعارهای مبتکرانه خود که بر بستر شرایط انقلابی حاکم بر جامعه بود، توانست هم نقش پیش‌تاز خود را در مبارزات جاری توده‌های مردم ایران ایفا کند و هم این شعارها را بر زبان آن‌ها جاری سازد.

تعطیلی دانشگاه‌ها در پی اپیدمی کرونا که از

اسفند ۹۸ مقامات رسمی به آن اعتراف کردند، تأثیرات خود را بر جنبش دانشجویی گذاشت. با تعطیلی دانشگاه‌ها، شرایط برای حضور و جمع شدن دانشجویان در محیط دانشگاه عملاً تغییر کرد. اپیدمی کرونا همان "نعمت الهی" برای جمهوری اسلامی بود و تا همین امروز هم شاهدیم که به دلیل این اپیدمی، کلاس‌های درس دانشجویان عمدتاً حضوری برگزار نمی‌شود و تنها در محدوده‌ای و بویژه برای برخی از دروس در برخی از دانشگاه‌ها این کلاس‌ها با حضور تعداد معدودی دانشجو برگزار می‌گردد. همچنین دانشجویان خوابگاهی نیز از استفاده از خوابگاه محروم شده و تنها عده‌ی معدودی همچنان در خوابگاه‌های دانشجویی حضور دارند. به‌رغم آن که از آغاز سال تحصیلی جدید، مقامات دولتی دو بار تاریخ بازگشایی دانشگاه‌ها و تشکیل کلاس‌های حضوری را اعلام کردند که آخری آن ۱۵ آبان بود، اما هنوز اقدام عملی موثری در این رابطه صورت نگرفته و اکنون صحبت از بازگشایی دانشگاه‌ها و تشکیل کلاس‌های حضوری برای تمامی دانشجویان از نیمه دوم سال تحصیلی می‌شود.

برعکس کارخانه‌ها و دیگر مراکز تولیدی که در دوران کرونا حتی یک روز هم تعطیل نبودند و کارگران باید بر سر کار حاضر می‌شدند، آن‌ها در شرایطی که حتی کمترین امکانات محافظتی از کرونا در برخی از مراکز کاری به کارگران داده نمی‌شد، اما دانشجویان از حضور در دانشگاه محروم شدند و رژیم نیز عملاً از این شرایط برای خلاصی یافتن از جنبش توفنده دانشجویی که به سرعت به پیش می‌تاخت بهره‌برداری کرد. این واقعیتی‌ست انکارناپذیر.

البته دانشجویان اگرچه از محیط دانشگاه محروم شدند و این محرومیت تأثیر خود را در مبارزات جمعی آن‌ها گذاشت، ولی حضورشان در جامعه پایان نیافت. این حضور چه در فضای مجازی و چه در اعتراضات توده‌ای همچون اعتراضات بازنشستگان و دیگر گروه‌های اجتماعی ادامه یافت. در اعتراضات مردم اصفهان، هر کجا که فریاد دادخواهی مردم بلند شد، دانشجویان نیز حضور داشتند.

در سال ۵۹ جمهوری اسلامی با انقلاب فرهنگی گمان کرد که نقطه پایانی بر حضور کمونیست‌ها در دانشگاه گذاشته است. بعد از اخراج، کشتار و تبعید دانشجویان و اساتید انقلابی، اگرچه دانشگاه در سال‌هایی از حضور موثر جنبش چپ و انقلابی محروم بود، اما از آن‌جا که اندیشه‌های چپ و سوسیالیستی در واقعیت‌های نظم موجود سرمایه‌داری و نقد این نظم ظالمانه ریشه دارد، بار دیگر رشد کرد و همپا با رشد اعتراضات کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه علیه نظم موجود، به گفتمان غالب در دانشگاه‌ها تبدیل شد و بدون تردید این گفتمان همچنان به حیات پرشور خود ادامه خواهد داد. گرمی باد ۱۶ آذر، زنده باد جنبش چپ و سوسیالیستی دانشجویی.

کار، نان، آزادی، حکومت شورایی



زنده باد جنبش چپ و سوسیالیستی دانشجویی

نقشی پیشرو در طرح برخی از مطالبات و شعارها ایفا کند. در دی‌ماه ۹۶ که نقطه عطفی در مبارزات ستمدیدگان ایران بود و آغاز دورانی انقلابی را نوید داد، این دانشجویان بودند که با شعارها و مبارزات خود، به اعتراضات رنگ و بوی دیگری دادند. در سرلوحه این شعارها، همان‌طور که در بالا آمد شعار "اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تموم ماجرا" بود، شعاری که بیان ملموس آغاز دوران جدیدی از مبارزات توده‌های کارگر و زحمتکش و تغییر موازنه

قوای سیاسی به نفع صف انقلاب بود. تا پیش از آن، "اصلاح‌طلبان" حکومتی نقش مهمی در انحراف افکار و مبارزات توده‌ها و ایجاد توهم نسبت به تغییر از طریق صندوق‌های رای داشتند. همین توهمات "اصلاح‌طلبانه" بود که بخش‌هایی از توده‌ها را به پای صندوق‌های رای می‌کشاند تا به‌قول برخی از همان اصلاح‌طلبان "از میان بد و بدتر" یکی انتخاب شود.

آخرین شوی انتخاباتی نیز "انتخابات" ریاست در صفحه ۹

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 948 December 2021



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدینوسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد. و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیونهای، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه های خود را بر روی این کانال ماهواره ای پخش خواهد کرد. برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فدائیان - اقلیت و شبکه های اجتماعی فیسبوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه های خود را از ماهواره یاه ست پخش می کند.

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی / سمبول ریت 27500 .
FEC: 2/3

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و اشنایان خود برسانید .
مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat
Frequency: 12594
Polarization: Vertical/ عمودی
Symbol Rate: 27500
FEC: 2/3

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی